

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

دَرِهَمٌ رِبَاٌ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ رِزِيَةً يَدَّاتِ  
مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَقَالَ الرَّبَا سَبْعُونَ  
جُزْءًا أَيْسَرُهُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ  
الْحَرَامِ.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

یک درهم ربا نزد خدا سنگین تر از هفتاد  
بار زنا کردن با محارم در خانه خداست. و  
فرمود: ربا هفتاد جزء دارد که آسان ترینش  
این است که مرد با مادرش در بیت الله  
الحرام ازدواج کند [بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۱۷۷]

### داستانک:

جوانی از بزرگان کردستان برای نیازی به اصفهان آمد و مدت

زیادی در آنجا ماند و برای رفع ضرورت از من چهل تومان خواست و به او دادم و چون به وطنش رفت آن مبلغ را همراه با چهار تومان  
سودش برایم فرستاد؛ با اینکه شرعا از او مازاد را طلبکار نبودم. ولی من آن را گرفتم و در حوائج خود صرف کردم و شبی در خواب دیدم یکی می  
گوید: چه حالی داری وقتی آن درهم را سرخ کنند و تنت را با آن داغ کنند؟ ترسان و هراسان بیدار شدم و با چنین کسبی در جز مورد او سابقه نداشتم.

نزدیک هفت سال از این واقعه گذشت و مردی هفتاد تومان از من وام گرفت و به وطنش رفت و چون پس از درخواست و رنج بسیار به من پس داد، در حدود پانزده  
تومان بر آن افزود و من هم یادم رفت که مازاد را به یک وسیله شرعی حلال کنم و برای زیارت سامره رفتم در حرم ه خوابیم گرفت فوراً خواب دیدم که امام حسن  
عسکری (علیه السلام) از ضریح مقدس بیرون آمد و یک صندلی در آنجا نهادند که حضرت بر آن نشست و نور از میان دو چشم ایشان می درخشید؛ بطوریکه نمی  
توانستم به ایشان نگاه کنم. حضرت به من فرمود... هفت سال پیش به تو سفارش نکردیم که تصرف در مانند این پولها حلال نیست؟؛ چه حالی داری اگر همه را داغ  
کنند و به تنت نهند؟ و آنگاه فرمود: برخیز کلیددار آمده درها را باز کند!

ترسان بیدار شدم و از ترس یکباره از جا جستم به طوریکه عمامه از سرم افتاد و متوجه نشدم و نزدیک در رفتم و صدای کلید را که کلید مشغول باز کردن در بود  
شنیدم. اندکی ایستادم و به سرم توجه کردم که برهنه بود، با خود گفتم: اگر بدین حال مرا ببینند می گویند می گویند دیوانه است و برگشتم عمامه بر سر نهادم و از  
حرم ترسان و شرمگین و بیبا به امر دین بیرون آمدم.

[تجارت بهشت صفحه ۳۶ به نقل از ترجمه دارالسلام صفحه ۲۶۹-۲۷۰]

بداوند با بندگانش عقد اخوت بسته است  
ربا جنگ با خداست و سرانجام این جنگ نابودی است ...

